

نگاهی به مجازات‌های اجتماعی از منظر عوام‌گرایی کیفری؛ درنگی در پدیده قاضی‌بلاگری

نرجس ملکی * دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،
ایران. (نویسنده مسئول)
n.maleki@mail.um.ac.ir

علی‌مراد حیدری * دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،
ایران.
a.m.heydari@um.ac.ir

چکیده

امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و استفاده از فضای مجازی، پدیده بلاگری از جمله فعالیت‌هایی است که توسط افراد گوناگون در حال افزایش است. یکی از مشاغلی که به‌مرور پا در این عرصه نهاده است، قضاوت است؛ بدین صورت که دادرسان محاکم، آراء صادره، جلسات رسیدگی، نظرات و تجربیات خود را در صفحات اختصاصی خود منتشر کرده و با بازخوردها و اظهارنظرهای مخاطبین مواجه می‌شوند. در این میان یکی از آرائی که در این صفحات به‌کرات دیده می‌شود و واکنش زیادی را هم از سوی مردم به‌دنبال دارد، احکام راجع به مجازات‌های اجتماعی است. هر چند ماهیت عامه‌پسند مجازات‌های اجتماعی و تحسین عمومی، و مآلاً صدور این‌گونه کیفرها به جای زندان، به‌خودی‌خود زمینه عوام‌گرایی را فراهم می‌آورد، لکن رسانه‌ای شدن آراء قضایی، از عوامل مهمی است که می‌تواند زمینه بروز عوام‌گرایی کیفری در سطحی وسیع‌تر را فراهم نماید؛ از این روی، یکی از ایراداتی که به پدیده قاضی‌بلاگری وارد است، بروز رویکرد عوام‌گرایانه در آراء مربوط به مجازات‌های اجتماعی است. در این پژوهش، صفحه اینستاگرامی پنج نفر از قاضی‌بلاگرها انتخاب گردیده، پست‌ها و پی‌نوشت‌های ایشان با روش تحلیل مضمون مورد بررسی واقع شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قاضی‌بلاگری در زمینه مجازات‌های اجتماعی با ایجاد زمینه‌های عوام‌گرایی کیفری، با ایراداتی هم‌چون مخالفت با استقلال قضایی و تحقق عدالت، غلبه احساس بر عقل و دوری از خبره‌گرایی، نداشتن جنبه بازدارندگی و تجری دیگران و امثالذلک مواجه است.

واژگان کلیدی: مجازات‌های اجتماعی، عوام‌گرایی کیفری، قاضی‌بلاگری، استقلال قضایی.

مقدمه

پس از ظهور مجازات زندان، نظام‌های عدالت کیفری با خوش‌بینی بسیار و به امید اینکه مجازات مذکور راهگشای مشکلات بزهکاری در عصر مدرن خواهد بود، مشتاقانه از آن استقبال کردند. اما مدت مدیدی از پذیرش زندان به‌عنوان مجازات مسلط نگذشته بود که آماج انتقادات و اعتراضات گسترده‌ای از سوی اندیشمندان حقوق کیفری واقع شد. (اسفندیاری و جوان جعفری، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۳) برای نمونه براساس اندیشه‌های فوکو، زندان برخلاف تصور رایج که با ادعای اصلاح و بازپروری مجرمان روی کار آمد، در واقع ابزاری برای تولید بدن‌های مطیع و تثبیت قدرت انضباطی در جامعه بود. (فوکو، ۱۳۹۷، ص. ۱۹۵-۱۸۹) او به مجازات از نظرگاه نظامی از قدرت و انضباط می‌نگریست که بر جامعه تحمیل شده است و در همین راستا تغییر و تحول مجازات‌ها را چیزی جز تغییر هنر و شیوه تنبیه یا به عبارت دیگر تغییر شیوه اعمال قدرت نمی‌دانست. بنابراین حبس که تا مدتی به‌عنوان مجازات اصلی و شایع‌ترین واکنش نظام کیفری تعیین و اجرا می‌شد، به‌مرور با انتقادات بسیاری همچون تأثیرات مخرب جسمی و روانی بر زندانیان، هزینه بالای اقتصادی و اجتماعی، آموزش جرم به زندانیان جدید (مدرسه بزهکاری)، عدم بازدارندگی، تعارض با اصل شخصی بودن مجازات، طرد اجتماعی زندانی پس از آزادی و ... مواجه شد. (اسفندیاری و جوان جعفری، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۹) به‌علاوه آنکه بسیاری از کشورهای اروپایی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ با رکود اقتصادی، نرخ بالای تورم، بیکاری و فقر روبه‌رو بودند. این وضعیت چارچوب‌های اقتصادی کشورهای مزبور را چنان در معرض تهدید قرار می‌داد که تغییر در خط‌مشی‌گذاری عمومی به امری قریب‌الوقوع تبدیل گردید (والک لیت، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۲)؛ وایت و هینز، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۰) و در این میان یکی از مهم‌ترین محورهایی که باید اصلاح می‌شد، «مجازات سالب آزادی» و نظام عریض و طویل زندان بود.

طرح اندیشه حبس‌زدایی با تأکید بر آثار نامطلوب ناشی از مجازات‌های سالب آزادی کیفرشناسان و محققان را در جست‌وجوی ارائه راه کارهایی نوین قرار داد. در این راستا با پشتیبانی سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه‌ها، کنفرانس‌ها و اسناد بین‌المللی به تدریج واکنش‌های جدیدی وارد زرادخانه کیفری کشورها شد که به دلیل وصف جامعه‌مدار بودن در گفتمان سیاست کیفری غرب به مجازات‌های اجتماع محور، مجازات‌های اجتماعی یا مجازات‌های جامعه‌مدار شهرت یافت. (Brownlee, 1998, p.5; Tonry, 1999, p.4)

دو اصطلاح «مجازات جایگزین حبس» و «مجازات اجتماعی» دارای مفاهیم نزدیک ولی متفاوت هستند؛ در مفهوم «مجازات جایگزین حبس» نه واژه «حبس» به معنای مطلق سلب آزادی - اعم از پیش از محاکمه و پس از آن - است، و نه واژه «جایگزین» شامل تدابیر قضازدائی (همانند تعویق صدور حکم) است. جایگزین‌ها در این مفهوم، یعنی واکنش‌ها (مجازات‌ها) یا تدابیری (مانند آزادی مشروط) که به خود کیفر حبس اختصاص دارند و اساساً یا غالباً برای جانشین‌سازی با مجازات حبس طراحی و اجرا می‌شوند. به این ترتیب، تدابیر و اقداماتی نظیر تعلیق تعقیب، ترک تعقیب و جانشین‌های قرار بازداشت موقت، در این مفهوم جایی نداشته و مشمول جایگزین‌های کیفر حبس نمی‌شوند. (کسل و برشتین، ۱۳۸۳، ص ۳۲۴). از این رو، جایگزین‌های کیفر حبس، مجموعه‌ای از واکنش‌های جزایی یا تدابیر هستند که می‌توانند جایگزین مجازات حبس شوند. جایگزین‌های کیفر حبس در این تعبیر، مصادیق متنوعی از واکنش‌های جزائی و تدابیر را در بر می‌گیرد. واکنش‌هایی که شایع‌ترین آنها عبارتند از: دوره مراقبت، خدمات اجتماعی، ممنوعیت خروج از منزل، نظارت الکترونیکی، آزادی مشروط و نظام نیمه آزادی (Holman, & Brown, 2004, P. 196-205)

از سوی دیگر دو عبارت «کامیونیتی پانیشمنت»^۱ و «کامیونیتی بیس پانیشمنت»^۲ در زبان انگلیسی مشترک معنوی بوده و هردو بر حقیقت واحدی دلالت دارند که نویسندگان و مترجمان پارسی زبان، عبارت نخست را به «مجازات اجتماعی» یا «مجازات جامعه‌مدار» و عبارت دوم را به «مجازات اجتماع‌محور» ترجمه کرده‌اند (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱؛ فرجیها، محمد، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

به عقیده برخی نویسندگان مقصود از مجازات‌های اجتماعی، مجازات‌های محدودکننده‌ای است که از حیث ساختاری، در میان حبس و مجازات‌های اسمی یا مالی جای داده شده‌اند (Bottoms, 2004, p.1) صفت «محدودکننده» در تعریف فوق ضمن این که نشان‌گر وجه تمایز مجازات اجتماعی از دیگر اقسام مجازات‌های غیر از حبس است، حاکی از درد و رنجی است که به‌واسطه محدودیت آزادی، بر مجرم تحمیل می‌شود.

درحالی‌که برخی از نویسندگان، «محدودکنندگی» را به‌عنوان ویژگی اساسی مجازات‌های اجتماعی معرفی می‌کنند، برخی دیگر از کیفرشناسان، بر «اعمال نظارت» به‌عنوان ابزار و شیوه عملی تحدید آزادی تأکید می‌کنند. از دید ایشان، «مجازات‌های اجتماعی، به نوعی نظارت یا کنترل رسمی نیازدارند» (Scott, 2008, pp.139-40) از این منظر مجازات‌هایی مانند خدمات اجتماعی، ممنوعیت رفت‌وآمد و نظارت الکترونیکی مجازات اجتماعی هستند.

با توجه به آنچه گفته شد، مجازات اجتماعی عبارت است از «واکنش رنج‌آوری که در قبال جرم و به‌موجب قانون نسبت به مجرم اعمال می‌گردد و مستلزم محدودیت آزادی بزهکار و نظارت بر وی است و در محلی غیر از محیط زندان اجرا می‌شود» (ریاحی، ۱۴۰۴، ص ۳).

¹ Community punishment

² Community based punishment

در کشور ما نیز تلاش‌های زیادی از سال ۱۳۷۹ برای عینیت‌بخشیدن به مجازات‌های اجتماعی انجام گرفت. البته تهیه‌کنندگان متن اولیه قانون، مجازات‌های اجتماعی را در قالب لایحه‌ای مستقل (لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی) پیشنهاد کردند و اصرار داشتند از به‌کار بردن عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» به این مجازات‌ها پرهیز شود. ولی فرایند پریپیچ و خم تصویب، لایحه مذکور را در معرض اظهارنظرهای افراد مختلف قرار داد، به‌گونه‌ای که نهایتاً، مواد لایحه مذکور دستخوش تغییرات زیادی شد و با همان عنوان «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس» در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب شد. سرانجام نیز مقررات آن لایحه، وارد لایحه قانون مجازات اسلامی شد و در فصل نهم از بخش دوم کتاب اول با نام «جایگزین‌های حبس» به تصویب شورای نگهبان رسید. البته از آنجا که عنوان مجازات‌های اجتماعی عمومیت دارد و تنها شامل جایگزین‌های حبس نمی‌شود، دستورات ضمن تعویق و تعلیق مراقبتی را نیز می‌توان مشمول این عنوان دانست.

به‌دلیل ذات جامعه‌محور بودن این مجازات‌ها و شاید به‌دلیل شفاف نبودن متن قانون، به‌تدریج این تفکر میان قضات شکل گرفت که در انتخاب نوع مجازات به‌اندازه‌ای دارای اختیار هستند که می‌توانند هر نوع ابتکاری را در صدور آن‌ها به‌عمل آورند. از سوی دیگر سرایت فعالیت بلاگری به شغل قضاوت و ظهور پدیده قاضی‌بلاگری^۱، سبب شده است صدور چنین آرائی گسترش یابد؛ زیرا از یک سو قاضی‌بلاگرها^۲ احکام حاوی این مجازات‌ها را در صفحات خود منتشر می‌کنند و از سوی دیگر مخاطبان این صفحات که عموماً افراد غیرمتخصص هستند، با نگاهی احساسی صدور این آراء را تأیید و قضات را تحسین و تشویق به ادامه این رویه می‌نمایند. یا حتی برعکس ممکن است عده‌ای از مردم که مجازات واقعی را تنها منحصر در مجازات‌های سنتی می‌دانند صدور این احکام را به‌عنوان مجازات مسخره یا

^۱ Judicial Blogging

^۲ Blogging Judges

تجییح نمایند. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که به‌عنوان نوعی انحراف در مسیر تحقق عدالت کیفری شناخته می‌شود و می‌تواند سازوکارهای سنجیده این حوزه را به‌تبع کارکردهای خویش آلوده سازد، نفوذ شاخصه‌های عوام‌گرایی است. عوام‌گرایی یا پوپولیست کیفری که به‌معنای رویکردی است که بر اساس آن سیاستگذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به‌منظور جلب افکار عموم، بدون توجه به یافته‌های علمی سیاست‌های کیفری نمایشی و عامه‌پسند را تدوین و اجرا می‌کنند (بی‌دردی، ۱۳۹۵، ص. ۲۷) پیامدهایی منفی دارد؛ از جمله آنکه دستگاه قضائی را از دستگاه احقاق عدالت قضائی به دستگاهی با عدالتی نمایشی و اقتدارگرا سوق می‌دهد. در موضوع بحث نیز، استقبال مخاطبین این صفحات از صدور آرائی اینچینی، قاضی را به ایجاد ابتکارات جدیدتر و صدور انواعی از مجازات‌های اجتماعی سوق می‌دهد که نمی‌توان توجیه و مبنای قانونی برای این آراء یافت. البته در همینجا ذکر این نکته لازم است که عوام‌گرایی و پدیده بلاگری لزوماً مترادف هم نمی‌باشند بلکه بلاگری به‌عنوان یکی از مصادیق عوام‌گرایی می‌تواند در نظر گرفته شود. بنابراین بدیهی است هر قاضی که در شبکه‌های اجتماعی صاحب صفحه است، به دنبال عوام‌گرایی کیفری نیست.

بر این اساس مسأله اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر عوام‌گرایی کیفری در زمینه آراء صادره در مجازات‌های اجتماعی با نظر به پدیده نوظهور قاضی بلاگری است. البته این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که پدیده قاضی بلاگری چگونه بر صدور حکم به مجازات‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد و اساساً این پدیده چه تأثیراتی بر اصول حاکم در فرایند رسیدگی و صدور حکم توسط قضات دارد؟

پیشینه: به مفهوم عوام‌گرایی کیفری در مقالات بسیاری پرداخته شده است و هر نویسنده‌ای تأثیر و ارتباط آن را در زمینه‌ای متفاوت مورد بررسی قرار داده است. برای نمونه محمدمین سمیعی و شهلا معظمی در پژوهش «جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری در حوزه سیاست کیفری در مرحله پیش‌دادرسی در ایران پس از بحث درمورد عوام‌گرایی و تقابل آن با نظام قضایی اجرایی»، به بیان آثار این پدیده در

مرحله پس از وقوع اعمال جنایی و پیش از آغاز فرایند دادرسی پرداخته است (سمیعی و معظمی، ۱۴۰۱). مجازات‌های اجتماعی نیز موضوعی است که پس از ورود آن در قوانین جزایی موضوع بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفت. در این میان دو پژوهش «ممنوعیت حکم به خرید مال به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در نظام کیفری ایران» از سعید خوافی (خوافی، ۱۴۰۳) و پژوهش «تکمیل مجازات با تفصیل میت؛ نقدی بر یک دادنامه» از احسان سلیمی قلعه‌ای به نقد مجازات‌هایی بدیع که اخیراً از سوی قضات به‌عنوان مجازات اجتماعی صادر می‌شود پرداخته‌اند (سلیمی قلعه‌ای، ۱۴۰۳). با این حال آنچه مهم است آن است که قاضی‌بلاگری، مسأله‌ای است که برای اولین بار در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود. بررسی پدیده تازه‌ظهور قاضی‌بلاگری از منظر بستری برای جلوه‌گر شدن عوام‌گرایی کیفری در صدور مجازات‌های اجتماعی مسأله جدیدی است که تاکنون هیچ سابقه‌ای در مقاله‌های موجود نداشته است.

روش: برای انجام این پژوهش صفحات متعلق به پنج قاضی‌بلاگر در اینستاگرام انتخاب و با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل محتوا ابزاری تحقیقاتی است که برای تعیین وجود کلمات خاص، مضامین و مفاهیم خاص در برخی از داده‌های کیفی استفاده می‌شود. با استفاده از این روش، محققان می‌توانند حضور، معانی و روابط کلمات به‌کار رفته در متن و ارتباط آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنند. منظور از محتوا در تحلیل محتوا، به ساخت‌های مختلف شامل زبان، موسیقی و تصویر گفته می‌شود. بر این اساس در پژوهش حاضر نیز پست‌های مربوط به مجازات‌های اجتماعی در صفحات این قضات شناسایی می‌شود. سپس مطابق روش تحلیل محتوا، محتوای پست‌ها اعم از تصاویر آن‌ها و زیرنوشت‌ها، پسندها و پی‌نوشت‌های^۱ مخاطبین مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. بدین ترتیب ابتدا به مجازات‌های اجتماعی و ارائه نمونه‌هایی از احکام جدید صادره در این زمینه پرداخته می‌شود و

^۱ «پی‌نوشت»، «پسند» و «زیرنوشت»، از این پس در این مقاله به ترتیب، به عنوان معادل فارسی برای واژه‌های «کامنت»، «لایک» و «کیشن» به کار برده می‌شود.

سپس موضوع عوام‌گرایی کیفری مطرح می‌گردد. پس از آن با تحلیل پست‌های اینستاگرامی قاضی‌بلاگرها، نقدهای مربوط به این امر بیان می‌شود و در پایان نیز راهکارهایی ارائه می‌گردد که در عین پایبند نمودن قضات به صدور مجازات‌های اجتماعی، با مسأله قاضی‌بلاگری به‌عنوان مسأله‌ای که دارای اثراتی مخرب است و همچنین با صدور برخی از انواع مجازات‌های اجتماعی مقابله بشود.

۱. مبانی نظری

۱.۱. مجازات‌های اجتماعی

هر جامعه‌ای اقتضائات خاص خود را دارد و جرم در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد که لازم است در تدوین و تعیین مجازات به آن‌ها توجه شود. تعیین مجازات با نگرشی جامعه‌شناختی و با تأکید بر سرمایه‌های افراد، ویژگی‌های خاص مجرم و میزان برخورداری او از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شرایط زیان‌دیده، نوع جرم و شرایط جامعه می‌تواند موجبات انطباق بیشتر این مجازات‌ها با واقعیات جامعه و کارآمدی بیشتر آن‌ها و دستگاه قضایی گردد.

مقصود از مجازات‌های اجتماعی مجازات‌های محدودکننده‌ای است که از حیث ساختاری در میان حبس و مجازات‌های اسمی مانند آزادی به قید التزام، اخطار و توبیخ کتبی یا مجازات‌های مالی جای داده شده‌اند». (Bottoms, 2004, p.1) صفت محدودکننده در تعریف مذکور ضمن اینکه بیانگر وجه تمایز مجازات اجتماعی از دیگر اقسام مجازات‌های غیر سالب آزادی است حاکی از درد و رنجی است که به واسطه محدودیت آزادی بر مجرم تحمیل می‌شود. بر این اساس مجازات اجتماعی عبارت است از واکنش رنج‌آوری که در قبال جرم و به موجب قانون نسبت به مجرم اعمال می‌شود و مستلزم محدودیت آزادی اوست.

بررسی اسناد مربوط به سیاست کیفری و آثار پژوهشگران در چند دهه اخیر در کشورهای مختلف حاکی از این است که واژه اجتماع در دو مفهوم متمایز کاربرد داشته است: «محل» و «ذی نفع». در مفهوم نخست واژه اجتماع به این معناست که محل یا مکان اجرای برنامه‌ها، جایی غیر از یک مؤسسه نگهداری است؛ بنابراین برای مثال مقصود از مراقبت در اجتماع مراقبت در خانه یا خانواده است (Easton & Piper, 2005, p.273) یا در خصوص بیماران روانی اجتماع هر جایی غیر از بیمارستان است (Mason, 2000, p.236) بر این اساس مجازات اجتماعی درواقع، تنبیه یا درمان یک بزهکار در اجتماع و خارج از نظام قضایی رسمی و مکانی غیر از محیط زندان است. (Donnelley, 2007, p.4 ; Singh, 2002, p.10)

به‌کاربردن اجتماع در مفهوم ذی نفع بدین معناست که جرم علاوه بر بزه‌دیده مستقیم و خاص به اجتماع نیز صدماتی وارد می‌کند، از این روی مجازات باید به‌گونه‌ای باشد که موجبات ترمیم این صدمات را فراهم سازد. در حوزه سیاست کیفری معرفی اجتماع به عنوان ذینفع به‌ویژه درباره مجازات خدمات اجتماعی مطرح شده است. در مجازات خدمات اجتماعی به بزهکار دستور داده می‌شود که خدماتی را به نفع اجتماع انجام دهد (Easton & Piper, 2005, p.8). با عنایت به مطالب مذکور می‌توان گفت که وصف «اجتماعی» ناظر به این مفهوم است که مجازات‌های یاد شده از طریق تحدید آزادی _ و نه سلب آن _ در اجتماع اجرا می‌شوند و علاوه بر سایر اهداف، ممکن است درصدد جبران صدمات وارد شده به بیکر اجتماع باشند. گفتنی است واژه «اجتماع» در ترکیب «مجازات اجتماعی» غالباً به‌معنای محل اجرای مجازات و مجری آن به‌کار رفته است. در این مفهوم، تعلیق مراقبتی فشرده، خدمات اجتماعی، نظارت الکترونیکی، ممنوعیت خروج از منزل، ممنوعیت رفت‌وآمد و الزام به حضور در مراکز آموزشی روزانه، همگی مجازات‌های اجتماعی‌اند؛ به این معنا که محل اجرای آنها یک مؤسسه نگهداری مجرمان مانند زندان نیست. برخی دیگر از پژوهش‌گران نیز بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که هدف از استعمال واژه کلیدی اجتماع، «اجتماع به‌عنوان ذی نفع» بوده است: «قضات باید طیف وسیعی از واکنش‌ها را در اختیار

داشته باشند تا به وسیله آن‌ها بتوانند با بزه‌کاران در اجتماع تسویه حساب کنند. منظور از اصطلاح تسویه حساب، یافتن شیوه‌های سودمندی برای جبران و ترمیم صدمات واقع شده در اثر جرم است. تسویه حساب مستلزم بهبود و ارتقاء وضعیت بزه‌دیده و اجتماع است؛ خواه به وسیله کار بدون دست‌مزد یا مشارکت در اقدامات درمانی که به واسطه کاهش تکرار جرم، هم به نفع بزه‌دیدگان است و هم به نفع اجتماع» (Donnelley, 2008, P 33). بدین ترتیب در حوزه سیاست کیفری، معرفی اجتماع به عنوان ذی‌نفع، به‌ویژه درباره مجازات خدمات اجتماعی مطرح شده است: «در مجازات خدمات اجتماعی، به بزه‌کار دستور داده می‌شود که خدماتی را به نفع اجتماع انجام دهد» (Easton, 2016, p.273) با این بیان مجازات سالب آزادی را نمی‌توان در زمره مجازات‌های اجتماعی بر شمرد کمااینکه در کشور انگلستان، تعداد زیادی از اسناد مربوط به خط‌مشی‌گذاری مربوط به مجازات‌ها را می‌توان دید که با تأکید بر نقش «اجتماع» در اجرای مجازات‌ها، بر استفاده از این کیفرها به عنوان جایگزین زندان تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال، در بیانیه رسمی ۱۹۹۰ دولت انگلیس آمده است: «دولت بر این عقیده است که بزه‌کاران بیش‌تری را می‌توان در اجتماع مجازات کرد... اگر قرار است استفاده از حبس کاهش یابد، پس به رویکرد جدیدی نیاز است؛ مجازات در اجتماع برای برخورد با بسیاری از مجرمان، به‌ویژه بزه‌کارانی که به جرایم علیه اموال و جرایم خشونت‌آمیز کم‌خطر محکوم می‌شوند و محکومیت به مجازات‌های مالی برای آنان کافی نیست، شیوه کارآمدی است» (Bottoms, 2004, p 4)

در مقدمه لایحه مجازات‌های اجتماعی آمده است مجازات‌های اجتماعی آن دسته از ضمانت اجرای کیفری است که خارج از محیط زندان با نظارت نهادهای رسمی و غالباً با مشارکت مردم به موقع اجرا گذاشته می‌شوند. این مجازات‌ها به دنبال بروز مشکلات عدیده ناشی از اجرای مجازات حبس مطرح و مورد توجه و استقبال واقع شده‌اند. در حقیقت این مجازات‌ها با توجه به اهدافی که از نهادهای مذکور دنبال می‌شود، می‌توانند با ایجاد و توسعه احساس مسئولیت، تعلق باور، تعهد و وابستگی در مجرم وی

را برای بازگشت به اجتماع مهیا سازند و ارزش‌های اجتماعی را در وجود وی نهادینه سازند. (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱)

مطالبه خدمات اجتماعی از بزهکار نشان از آن دارد که جامعه، وی را طرد ننموده است و همچنان او را عنصر مطلوبی می‌داند. از این رو، آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی بدون آنکه انگ و برجسبی بر بزهکار زده شود، او را از تکرار بزه منصرف خواهد کرد. در این عبارت به خاصیت روانی و ذهنی این جایگزین‌ها اشاره شده است که از طریق تأثیرگذاری بر شخصیت افراد می‌توان به نوعی از وقوع جرم و بزهکاری پیشگیری نمود که از طریق زندانی کردن افراد در زندان محقق نخواهد شد. (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷، ص. ۶۴).

سیر تحولات در مسیر اجتناب از مجازات زندان و آثار سوء آن در سه مرحله خلاصه می‌شود: در گام نخست که در همان چارچوب زندان سنتی اعمال می‌شود، زندانی برای تحمل محکومیت از محیط بسته زندان به محیط خارج از زندان انتقال داده می‌شود. سازوکارهایی چون کار خارج از محیط زندان، تاسیس زندان‌های باز، کیفرهای پایان هفته‌ای و اجرای نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط راهکارهایی برای کاهش آثار سوء اجرای مجازات زندان است. در گام دوم، سعی بر آن است ضمن صدور حکم محکومیت به زندان و پذیرش واقعیت زندان، به طور کلی از زندانی کردن محکوم اجتناب شود. در نهادهایی هم چون تعلیق کامل ساده، تعلیق کامل مراقبتی و تعویق صدور حکم گرچه در قلمروی محکوم‌کردن متهم به زندان است، لکن متهم عملاً وارد زندان نشده و از تبعات منفی زندان دور نگاه داشته می‌شود. در گام سوم، فراتر از دو مرحله قبلی، اساساً به جای محکوم‌کردن متهم به زندان، از جانشین‌های زندان استفاده می‌شود و بدین ترتیب زندان نه مورد حکم قرار می‌گیرد و نه مورد اجراء (حیدری، ۱۴۰۳، ص. ۱۱۵).

قانونگذار ایران در راستای توجه به مجازات‌های جایگزین حبس، به تدریج مفاهیمی چون تعلیق آزادی مشروط و جزای نقدی را به عنوان جایگزین‌های سنتی وارد قانون کرده و حبس‌های کوتاه مدت را قابل تعلیق یا تبدیل کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۱، ص. ۲۸۱). همین رویکرد به همراه تأثیر از تحولات آموزه‌های کیفر نوین و مطرح شدن سیاست‌های مبتنی بر کیفرزدایی در کنار راهبردهای زندان‌زدایی سبب شد تا قانونگذار در نهایت طیف وسیعی از نهادهای ارفاقی - تخفیفی را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد کند. بدین ترتیب بنابر ظرفیت‌های موجود نظام حقوقی ایران، می‌توان نهادهای ارفاقی - تخفیفی را به دو دسته اصلی تقسیم کرد. گروهی از این نهادها در راستای سیاست کیفرزدایی شکل گرفته و «جایگزین‌های کیفر» مانند تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات را شامل می‌شوند و گروهی دیگر نهادهایی زندان‌زدا بوده و ذیل «جایگزین‌های زندان» جایگزین‌های عام زندان نظیر آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی و جایگزین‌های خاص زندان همان موارد مذکور در فصل نهم جای خواهند گرفت.

مجازات‌های اجتماعی به دلیل مدنظر قراردادن حبس‌زدایی، استفاده از مجازات جایگزین، توجه به منزلت و جایگاه مجرمان در جامعه، توجه به مجرمان خاص نظیر زنان، کودکان و بزه‌کاران کم‌خطر، برقراری مشارکت میان مردم و دستگاه قضایی، محله‌ای کردن مجازات و استفاده از تخصص افراد در محکومیت‌های اجتماعی و همچنین مشارکتی کردن امنیت، از منظر حقوق شهروندی واجد اهمیت هستند (شعبان زاده و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۵۶۳). با وجود این، کیفرهای اجتماعی مخالفانی هم دارد و برخی، قرار گرفتن جامعه در معرض بزه‌دیدگی بیشتر، مسأله تورگستری^۱ و گسترانیدن چتر کنترل اجتماعی، خوارکنندگی و مخالفت نهادهای جایگزین زندان با اصل قطعیت، حتمیت و سرعت را از معایب جایگزین‌های زندان برشمرده‌اند (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۲، ص. ۷۵). گستراندن چتر کنترل اجتماعی از مجرای نظارت‌های الکترونیکی و استفاده از ابزارهایی نظیر میچ‌بند و پابند الکترونیکی محقق می‌گردد

^۱ دام‌گستری ترسیم و طرح جرم توسط مأمور و تدارک آن برای شخصی است که به علت حيله، فریب و اغوای مأمور تمایل به ارتکاب آن پیدا کرده است. (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۸)

که پیامد آن نقض حریم خصوصی و ایجاد مزاحمت‌های مکرر نه تنها برای خود مجرم بلکه برای خانواده و نزدیکان وی است. از جمله پیامدهای دیگر کیفرهای اجتماعی، خطر عوام‌گرایی و رفتارهای عامه‌پسند قضات در صدور اینگونه آراء است چه اینکه در سال‌های اخیر بر اثر عواملی همچون عدم تمایل جامعه به مجازات‌های سنگین و خشن، افزایش جمعیت زندان‌ها و افزایش هزینه‌ها، توجه به بازپذیری اجتماعی و تقویت احساس مسئولیت در بزه‌کار، مبارزه با افزایش تکرار جرم، جبران خسارات بزه‌دیده و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری، قوه قضائیه بر آن شد تا قضات را بیش از پیش به استفاده از مجازات‌های اجتماعی متمایل نماید. در همین راستا نیز با اقداماتی مانند برگزاری جشنواره‌های تقدیر از آرای برتر، ایشان را تشویق نمود تا در احکام خود به مجازات‌های اجتماعی توجه نشان دهند. این امر موجب گردید به تدریج آرای از قضات صادر شود که با موازین حقوقی سازگاری ندارند و می‌توانند محل بحث و چالش بسیاری واقع شوند. در جدول زیر تعدادی از این آراء قابل مشاهده است؛

شستن بدن مردگان	دادگاه عمومی در ورامین خانمی را به دلیل عدم رعایت حجاب شرعی، به «یک ماه شستن میت در غسالخانه شهر تهران» محکوم کرد. ^۱
-----------------	---

^۱ این رای که به عنوان مجازات تکمیلی صادر شده، از سوی برخی نویسندگان مورد نقد قرار گرفته است. از دید آنان علاوه بر برخی ایرادات شکلی نظیر «بی‌توجهی به اصل قانونی بودن مجازات»، «عدم توجه به رضایت متهم»، «استناد ناتمام به مواد قانونی» و... داننامه واجد یک ایراد ماهوی قلیل توجه یعنی عدم توجه به قاعده «حرمت تنفیر از دین» است. با این همه اهتمام دادرسی به فلسفه جرم انگاری و تلاش برای یافتن مجازاتی متناظر با علت جرم‌انگاری، هرچند ناقص لکن قابل دفاع است (سلیمی قلعه‌ئی، ۱۴۰۳، ص. ۱۵).

پاکسازی مناطق از زباله	متهم در دادگاه انقلاب تهران به حبس و چند مجازات تکمیلی محکوم شد که یکی از موارد «پاکسازی مناطق از زباله در مناطق خالی از سکنه تحت نظارت حراست شهرداری یکی از شهرستان‌ها، به مدت سه ماه روزی چهار ساعت» است.
نگهداری از الاغ و عدم کاشت کاهو	در سال ۱۳۸۸ مردی در استان فارس به عمد یک رأس الاغ زنده را آتش زده و کشته بود. حکم دادگاه چنین بود: «محکوم‌علیه مکلف است به جای تحمل شلاق و به‌عنوان مجازات جایگزین اولاً نسبت به فراگیری ۲۰ حدیث از معصومین با مضامین مهربانی با حیوانات و رفتار شایسته با حیوانات اقدام کند، ثانیاً به مدت یک سال از کاشتن کاهو در مزرعه خود خودداری کند و ثالثاً یک رأس الاغ بلاصاحب را به مدت سه ماه نگهداری و تغذیه وی را به عهده گیرد.»
شرکت در نماز جمعه	متهم با حکم قضایی مجبور به حضور شش‌ماهه در نماز جمعه‌های شهرستان بوئین‌زهرا شد.
عیادت از بیماران	مدیر عامل یک کارخانه در همدان به اتهام آلودگی هوا، به عیادت بیماران ریوی به مدت سه سال و مستندسازی همدردی خود با آن‌ها محکوم شد. هدف از این امر آگاه ساختن فرد به تبعات آلودگی هوا بر سلامت افراد بود.
تهیه وسایل گرمایشی برای زلزله‌زدگان	یک فرد ۷۲ ساله به دلیل شکایت اداره دام‌پزشکی شهرستان کامیاران به اتهام تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق جوجه‌ریزی غیرمجاز و رعایت نکردن مقررات بهداشتی محکوم به یک سال حبس شده بود. قاضی پرونده به دلیل نداشتن سابقه کیفری متهم، اظهار ندامت وی و اوضاع و احوال متهم از قبیل کهولت سن و پیش‌بینی اصلاح وی در آینده و تعهد متهم به مرتکب نشدن جرم عمدی برای وی حکم متفاوتی صادر کرد. این فرد مکلف شد طی ۷۲ ساعت از تاریخ ابلاغ اقدام به تهیه وسایل گرمایشی به مبلغ حداقل ۵۰ میلیون

ریال برای آسیب دیدگان زلزله آذربایجان شرقی کند و آن را به مراجع ذی ربط جمعیت هلال احمر تحویل و رسید آن را تحویل واحد اجرای احکام کیفری دهد.	
مجرمی که به یک سال حبس محکوم شده بود با توجه به حسن سابقه، اظهار ندامت و نیز تمایل به خدمات عمومی و عام المنفعه، محکوم به انجام این عمل شد که ۱۱۰ جفت کفش ایرانی برای کودکان و دانش آموزان یتیم و محروم شهرستان سرعین بخرد. شرط ایرانی بودن کفش ها هم از نکات مهم این حکم بود که مورد توجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت.	تهیه کفش برای کودکان محروم
پزشکی به همراه کادر پزشکی در حادثه مرگ یک مادر باردار هنگام زایمان مقصر شناخته شدند. قاضی پس از در نظر گرفتن مجازات مالی برای خاطیان این پرونده که اتهام قتل غیر عمد درباره آن ها محرز شد، با توجه به موقعیت اجتماعی پزشک، ماما و پرستاران مذکور، ایشان را به جای حبس مکلف کرد که اقدام به نوشتن مقاله درباره بررسی علل و راه های پیشگیری مرگ مادر و نوزاد بر اثر عمل زایمان کنند و این مقالات توسط استادان دانشگاه و مجامع علمی تایید شوند. همچنین گذراندن دوره آموزشی نیز از جمله احکامی بود که برای متهمان این پرونده صادر شد.	نگارش مقاله
هشت نفر از عوامل حمل مشروبات الکلی در شهرستان رودان به جای مجازات حبس، محکوم به تهیه و تنظیم مقاله درباره مضرات مشروبات الکلی شدند. این متهمان همچنین مکلف به حفظ احادیث معصومین درباره مضرات مشروبات الکلی شدند. قاضی این پرونده علت صدور این حکم را جلوگیری از سرخوردگی ناشی از بدنامی حبس کشیدن و آشنایی بیشتر با معارف دینی بیان کرد.	نگارش مقاله و یادگیری حدیث
به علت شکایت راهنمایی و رانندگی زرقان از دو فرد به اتهام توهین و تمرد به مامور راهنمایی و رانندگی در حین انجام وظیفه، رییس دادگاه عمومی بخش زرقان این دو نفر را به مجازات آموزش به جای حبس محکوم کرد. این دو نفر مکلف شدند تا هر ماه و به	همیار پلیس شدن

مدت شش ماه به سرپرست راهنمایی و رانندگی زرقان مراجعه و گواهی حسن اخلاق و برخورد با مامورین راهنمایی و رانندگی اخذ و تقدیم دادگاه نمایند همچنین در یک دوره آموزشی مربوط به مقررات و قوانین راهنمایی و رانندگی شرکت کرده و گواهی حضور در این دوره را ارائه نمایند. از سوی دیگر هر یک از متهمان موظف شدند با پوشیدن لباس مخصوص همیار پلیس با راهنمایی و رانندگی زرقان همکاری نمایند و گواهی آن را تقدیم دادگاه نمایند که در صورت اجرای این دستورات، مجازات آن‌ها از سوابق کیفری آنان پاک می‌شود.	
سه نفر قصد داشتند در یک منطقه حفاظت‌شده در لار برای ساخت‌وساز مصالح وارد کنند که با هشدار محیط‌بانان مواجه و سپس با آن‌ها درگیر شده و در جریان این نزاع محیط‌بانان را هدف ضرب و جرح قرار دادند. متهمان در روند رسیدگی جلسه دادگاه به جرم خود اعتراف و پس از اظهار پشیمانی از قاضی طلب عفو و بخشش کردند. ایشان با توجه به نداشتن سابقه کیفری و ابراز ندامت به جای حبس با حکم مجازات جایگزین حبس دادگاه، محکوم به بازسازی پاسگاه محیط‌بانان، تهیه ۸ دست لباس و ۸ دوربین دید در شب برای مأموران محیط زیست و ساخت مستند هشت دقیقه‌ای راجع به چالش‌ها و مناطق بکر پارک ملی لار شدند.	ساخت مستند
در یکی از حکم‌هایی که سر و صدای زیادی در فضای مجازی داشت قاضی شهروند متخلفی را که به مامور دولت هنگام انجام وظیفه توهین لفظی کرده بود به جای مجازات حبس تعزیری به تبلیغ حمایت از کالای ایرانی زیر نظر اتاق اصناف و فعالیت در پیام‌رسان داخلی سروش و ای‌تا محکوم کرد.	تبلیغ حمایت از کالای ایرانی

جدول شماره ۱، نمونه‌هایی از آراء قضات بر مجازات‌های اجتماعی

اصطلاح پوپولیست یا عوام‌گرایی برای اولین بار در ادبیات علوم سیاسی مطرح گردید. اما از آنجا که این مفهوم از دیدگاه سنتی بیشتر در حوزه‌هایی نمود پیدا کرده است که با نهاد مردم در ارتباط است، حوزه نظام عدالت کیفری بنا به اتصال قوی با نهادهای اجتماعی و مردمی از این قاعده مستثنی نبوده و بسیاری از زیرشاخه‌های آن را در بر گرفته است. به‌طور خاص این مفهوم در حوزه کیفری برای اولین بار در نظریه سزاگرایی عوامانه آنتونی بوتامز^۱ به‌منظور تشریح یکی از تأثیرات اصلی توده مردم و خواسته‌های آنان بر جنبه‌هایی از کارکرد نظام عدالت کیفری مطرح شد (Williams, 2012, p.120).

واژگانی که بوتامز در تشریح این نظریه به‌کار برده، بیشتر نشان‌دهنده وجوه عامه‌پسند دیدگاه‌های سختگیرانه‌ای است که آن زمان در مورد مجازات‌ها وجود داشته است (Bartlett, 2008, p.9).

در اینجا نکته مهم آن است که به جهت آنکه اولین بار این اصطلاح در قالب سزاگرایی عوامانه وارد ادبیات جرم‌شناسی و حقوق کیفری شد، رویکرد غالب به این مفهوم، سزاگرایانه و سخت‌گیرانه است؛ یعنی رویکردی که قصد دارد با سختگیری و اعمال مجازات‌های سنگین بر مجرمان، پدیده جنایی را در جامعه کنترل کند و از بی‌نظمی در جامعه جلوگیری نماید. (فارال و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۹۲) یا در تعریفی دیگر رویکردی که در آن با تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل بر آرای مردم عادی و استناد ظاهری به آرای ایشان، تلاش می‌شود تا سیاست‌های جنایی عموماً سزاگرا که فاقد مبنای علمی و منطقی هستند، ترویج شود. (فرجیها، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۶) اما همانطور که برخی دیگر از نظریه‌پردازان و محققان علوم کیفری گفته‌اند، می‌توان کمی کلی‌تر به اصطلاح عوام‌گرایی نگاه کرد. بسیاری مانند ژان پرت^۲ از عوام‌گرایی کیفری به‌عنوان رویکردی وصف می‌کنند که در آن سیاست‌مداران به‌منظور کسب مقبولیت و جلب آرای عمومی، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌نمایند که جنبه عوام‌گرایی در آن‌ها بر جنبه‌های فنی، غلبه دارد. (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴) براساس این تعریف، عوام‌گرایی تنها در رویکرد سزاگرایانه خلاصه

¹ Anthony Bottoms

² John Pratt

نمی‌شود، بلکه همانطور که به تناسب تغییرات شرایط اجتماعی و فرهنگی، در دوره‌های مختلف نگاه عامه به مسأله‌ای واحد تغییر می‌کند، عوام‌گرایی نیز به دنبال آن در زمان‌های متفاوت و در مسائل متفاوت می‌تواند تأثیر متفاوتی را بر سیاست کیفری بگذارد؛ گاهی این تأثیر در جهت اعمال مجازات‌های سختگیرانه و گاهی در جهت اعمال مجازات‌هایی است که فاقد خصیصه کیفری و رنج‌آوری هستند. آنچه در این میان مشترک است شاخصه اصلی این مفهوم می‌باشد و آن، نقض اصول مبتنی بر سنجیده‌گرایی و توجه به تدابیر عوام‌پسندانه است.

بدین ترتیب دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از جمله در حوزه قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی، به جای راه‌حل اساسی و ریشه‌ای از گفتمانی استفاده می‌کنند که هدف اصلی تنها کسب جایگاه و جلب آراء و مقبولیت نزد توده مردم اقلیت یا اکثریت می‌باشد. در چنین فضایی سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های فنی مطابق ذائقه عوام یعنی کسانی که میزان اطلاعات آن‌ها از مقوله جرم و مبارزه با آن در حد قطعات ذکر شده توسط رسانه‌ها و منابع محدود دیگر است، اتخاذ می‌شود و همانگونه که گفته شد مطالبات آن‌ها به عنوان مستندی برای خط‌مشی سیاست جنایی در تهیه و تدوین سیاست‌گذاری‌ها تعریف می‌شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۴۴)

مسأله مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که معمولاً نگرش تک‌بعدی نسبت به عوام‌گرایی سبب می‌شود تا ابعاد و زوایای دیگر این موضوع در حوزه‌های قضائی و اجرایی پنهان بماند. به نظر می‌رسد علت اصلی چنین رویکردی را بتوان در این مسأله دانست که از طرفی در تعریف عوام‌گرایی کیفری از اصطلاح مجموعه سیاست‌ها استفاده شده است و از طرف دیگر این سیاست‌گذاری اغلب در مرحله وضع و تدوین قوانین صورت می‌پذیرد و اینگونه است که ما شاهد ورود سیاست‌گذاری‌ها به مقولات حوزه کیفری می‌شویم. این امر موجب می‌شود که مفهوم این اصطلاح از مرحله تدوین سیاست فراتر نرود و به جهات کیفری دیگر پرداخته نشود حال آنکه چنین خلاصه‌گویی در ابعاد و قلمرو

عوام‌گرایی کیفری نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا عوام‌گرایی کیفری تنها به سیاستگذاری اختصاص ندارد و ابعاد دیگری مانند حوزه‌های قضایی و اجرایی را نیز در برمی‌گیرد که فراتر از محدودسازی این اصطلاح به حوزه سیاست و سیاستگذاری در امور کیفری است. (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵) براین اساس در حوزه حقوق کیفری عوام‌گرایی در دو بخش مهم و کلی رسوخ پیدا کرده است. بخش اول به حوزه تهیه و تدوین قوانین و سیاستگذاری‌های کیفری مربوط می‌شود که عمدتاً توسط سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران - که از آن‌ها به‌عنوان قانون‌گذار به معنای عام یاد می‌شود - رخ می‌دهد؛ بخش دیگر هم مربوط به حوزه تصمیم‌گیری‌های قضایی و اجرایی مربوط به مقوله جرم و مجازات و اجرای آن می‌باشد. قسم دوم که عوام‌گرایی قضایی نام دارد کمتر مورد توجه پژوهشگران و محققان حوزه کیفری قرار گرفته است.

۳.۱. قاضی بلاگری

بلاگر به شخصی گفته می‌شود که در سکوها‌های اجتماعی فعالیت می‌کند و مطالبی را نشر می‌دهد. (دریایی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۴۵) وی در وبلاگ خود پست‌هایی در قالب عکس و نوشته منتشر می‌کند که در آن‌ها تجربیات شخصی‌اش را بازگو می‌نماید، رویدادها را از دیدگاه خود تحلیل می‌کند و درباره موضوعات مختلف اظهارنظر و تولید محتوا می‌کند. بلاگر از این طریق نگاه مردم را به صفحه شخصی خود جلب می‌کند، بنابراین به تدریج نظراتش مورد قبول مخاطبان قرار می‌گیرد و برای وی شهرت و معروفیت به همراه می‌آورد.

در حال حاضر از میان شبکه‌های اجتماعی مختلف، «اینستاگرام» به دلیل قابلیت‌های مختلف به فضایی برای فعالیت بلاگرهای جوان به‌ویژه در عرصه اقتصادی و کسب و کار تبدیل شده، به‌طوری‌که انواع بلاگرها مانند «بلاگر لایف استایل یا سبک زندگی»، «بلاگر فشن یا مد»، «بلاگر کتاب» و «بلاگر کودک» در این شبکه فعالیت می‌کنند.

جذابیت‌های این فعالیت یا کسب درآمد از این طریق، سبب شده، بلاگری به تدریج وارد حوزه‌های جدیدی شود که به نظر می‌رسد نتوان پیوند مناسبی بین فعالیت بلاگری با این حوزه‌ها برقرار نمود. برای نمونه معلم بلاگری، مسأله جدیدی است که معلم‌ها با انتشار ویدئوهایی از دانش‌آموزان خود در مدرسه، توجه مردم را به صفحه خود جلب می‌کنند. این اقدام همانطور که انتقاد مردم و به دنبال آن توبیخ صاحبان این صفحه‌ها را از جانب مسئولین امر به دنبال داشت، نشان‌دهنده عدم سازگاری فعالیت بلاگری با معلمی می‌باشد.

در این میان، یکی از پدیده‌های نوظهوری که در حال افزایش است، پدیده «قاضی بلاگری» می‌باشد. قاضی بلاگرها نیز همانطور که در تعریف فعالیت بلاگری بیان شد، قصد دارند مسائل حقوقی، آرای صادره توسط خود، امور مربوط به شعبه محل قضاوت، مسائل پیرامون مراجعه‌کنندگان به ویژه متهمین و شکات و به طور کلی سایر فعالیت‌های شغلی و بعضاً روزمره خود را به عرصه نمایش بگذارند.

یک دسته از آرائی که به تازگی محل مانور این قضات در صفحات خود قرار گرفته است، آراء مربوط به مجازات‌های اجتماعی می‌باشد.

۲. متن مورد تحلیل

به موازات فراگیر شدن و گسترش استفاده از رسانه‌های اجتماعی و به روزرسانی امکانات آن‌ها با فواصل بسیار کوتاه، در طول یک دهه گذشته پژوهشگران در حوزه‌های ارتباطات، روانشناسی، حقوق و جامعه‌شناسی در جهان و ایران بیشتر به ابعاد و پیامدهای استفاده از این رسانه‌ها پرداخته‌اند. آنچه در این حوزه بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. رواج گوشی‌های هوشمند و امکان نصب نرم‌افزارهای کاربردی تصویرمحوری مانند اینستاگرام و سکویهای ارتباطی است که شدت و عمق وابستگی ارتباطاتی و جامعه‌شناختی افراد به اینترنت را افزایش داده است. امکان برقراری ارتباطات آنی و فوری و پاسخگویی سریع به نیاز مهم رابطه‌خواهی در انسان، یکی از عوامل این نوع وابستگی است.

(حداد، ۱۴۰۲، ص. ۲) کاربر اینستاگرام می‌تواند از لحظات روزمره‌اش عکاسی کند، متن دلخواهش را به تصویر ضمیمه کند و آن را برای دیگران انتشار دهد. او می‌تواند در انتظار نظرها و تأیید یا رد کاربران قرار گیرد و به عبارتی به جهانی از تعامل ورود کند که گستره ارتباطاتش را بی‌حد و مرز می‌کند.

از این میان قاضی بلاگری یکی از گروه‌های بلاگری است که به دلیل حساسیت این شغل، نیازمند آسیب‌شناسی می‌باشد. یکی از آسیب‌های مهم در این فعالیت، گرایش به سمت عوام‌گرایی یا پوپولیست کیفری در حوزه تصمیم‌گیری‌های قضائی و اجرایی است. عوام‌گرایی قضایی نوعی از عوام‌گرایی کیفری است که در بستر عوامل متعددی همچون نظام سیاسی، افکار عمومی، کارکرد منفی رسانه‌ای، عوام‌گرایی قانونی، عمل‌گرایی قضائی و موارد دیگر، توسط تشکیلات عدالت قضائی و مجریان آن در رابطه با انجام وظایفشان در امور کیفری وارد کارکردهای اصولی و سنجیده نظام قضائی می‌شود که همین امر ضمن نادیده‌انگاشتن اصلی‌ترین شاخصه‌های سنجیده‌گرایی همچون قانون‌مندی و استقلال و بی‌طرفی قضائی، باعث می‌شود تا معیارهای حاکم بر روند دادرسی منصفانه را برای نیل به گرایش‌های ملایمانه یا سختگیرانه کیفری، تحدید یا نقض کند. (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۳۹)

بدین ترتیب انتشار احکام صادره در اینستاگرام توسط قضات، سبب می‌شود به دلیل کارکرد منفی رسانه، تصمیمات قضایی ایشان رنگ عوام‌گرایانه به خود گیرد که با اصول حقوق کیفری در تعارض است. یکی از احکامی که در این صفحات زیاد دیده می‌شود احکام مربوط به مجازات‌های اجتماعی است. از آنجایی که عبارات قانون در بیان این مجازات‌ها کمی بسیط می‌باشد، در رویه قضایی میان قضات اینگونه نهادینه شده است که در انتخاب هر عملی به عنوان مجازات اجتماعی دارای اختیار می‌باشند. همین مسأله سبب شده است، قضات در صدور حکم به این مجازات‌ها، ابتکارهایی را به خرج دهند و سپس با انتشار در صفحات شخصی خود و گرفتن بازخورد، تأیید و تشویق از سوی کاربران، بر درستی و تأثیرگذاری این احکام صحه بگذارند.

در ادامه، از میان احکام مختلفی که مشتمل بر انواع جدید مجازات‌های اجتماعی می‌باشند، بر احکامی تمرکز شده است که در صفحات اینستاگرامی قاضی بلاگ‌ها منتشر شده است. بدین ترتیب برای بررسی این موضوع، صفحه اینستاگرامی چند قاضی که در اینستاگرام فعالیت بلاگری می‌کنند انتخاب شده و پست‌ها و فعالیت‌های ایشان از جمله محتواهای مربوط به احکام مجازات‌های اجتماعی و همچنین نظرات دنبال‌کنندگان و واکنش‌های ایشان ارزیابی شده است.

متن پست‌ها	مضمون	مؤلفه‌های بیان‌کننده
تهیه هشت دست کامل سرویس چینی با طرح گل‌های حرم امام رضا علیه‌السلام	مخالفت با استقلال قضایی و تحقق عدالت	- جنابعالی همواره مظهر مهر هستید و از تبار باران، شمایی که انگار از مهربانی آفریده شدی، شمایی که پاداش فردایت بهشت است. - پرونده‌ای بود در خصوص شرب خمر، متهم دارای تحصیلات عالیه و کاملاً پشیمان، اما قاضی حکم به اجرای رای داد، این رای‌ها چه توجیهی داره؟ - در قرن حاضر شلاق برای اسب‌سواری و چرای گوسفندان استفاده می‌شود. بین قاضی و چوپان تفاوت‌های زیادی وجود

دارد زیرا از قاضی انتظار غایت کمال و شخصیت انسانی می‌رود. - درود بر شما که مجازاتی را اعمال می‌کنید که برای جامعه مفید باشد. - خدا خیرتون بده که همه جوانب رأی را می‌سنجید و رأی‌های شما بهترین رأی‌ها هستند. - این تصمیم، ثمره خوش‌تربیتی است. دم ریشه‌ات گرم!		
- احسنت، امام رضا بغل‌گیرت باشه - در پناه امام رضا همیشه گره‌گشا باشی - ماشالا قاضی با روحیه بسیجی - جات اینجاست سلطان دستگاه قضا - درود بر بهترین قاضی دنیا	غلبه احساس بر عقل و دوری از خبره‌گرایی	- تهیه هشت دست کامل سرویس چینی با طرح گل‌های حرم امام رضا علیه‌السلام - تهیه یک کتاب‌های آزمون وکالت برای هشت دانشجوی حقوق تحت پوشش بهزیستی

دنیا رو به قضاوت به صورت مدرن و اسلامی درمباری - دمت گرم عشق کردیم، همه تو کامنتا باهات حال کردن - قاضی فقط خوش تیپش خوبه - با کی رفتی عکاسی که بهتر از من عکس گرفته؟ با زنم		
- به ما هم از این حکما بده! - دلم می‌خواد مجرم باشم و قاضی تو باشی! - حکم منم صادر کنید برم نوکری امام حسین (ع) - چه جرائمی مرتکب بشیم ۲۰ روز میفرستینمون کربلا؟!! - عجب حکم شیرینی - این مجازات‌ها لیاقت می‌خواد!	نداشتن جنبه بازدارندگی و تجری دیگران	- ۴۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در موكب عمود ۱۳۹۷، در ایام پیاده‌روی اربعین

جدول شماره ۲، تحلیل چند نمونه از صفحه‌های مجازی قاضی بلاگ‌رها

۱.۲. مخالفت با استقلال قضایی و تحقق عدالت

منظور از استقلال قضائی این است که دادرسان در صدور رأی تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستورها، نظرها و خواسته‌های دیگران نداشته باشند. استقلال در تصمیم‌گیری و صدور هر نوع حکم یا قرار، لازمه قضاوت عادلانه است که در پرتو آن، امنیت قضایی، تضمین و حقوق و آزادی‌های متهمان، تأمین می‌گردد.

اساساً همه عناصر جنبه‌های تشکیلات قضایی باید به ایجاد و برقراری شرایطی برای هدایت عادلانه و منصفانه فرایند دادرسی کیفری کمک کند و سد هر گونه نفوذ و تأثیر بیرونی بر سنجش امور موضوعی و حکمی پرونده توسط مرجع قضایی، بشود. عوام‌گرایی کیفری یکی از عواملی است که از این دو تضمین ساختاری مهم عبور می‌نماید. (سمیعی و معظمی، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۴)

تضعیف استقلال قضایی همچنین در رویکرد سنجی افکار عمومی در قبال احکام قضایی و به قضاوت گذاشتن احکام قضات است که اندک‌اندک خود را در قالب پدیده قضایی‌بلاگری نشان می‌دهد. از این منظر برخی از قضات با به اشتراک گذاشتن تصمیمات قضایی خود در فضای مجازی و صفحات شخصی، به ارزیابی نگرش مخاطبان به تصمیم خود پرداخته و به‌مرور خواسته یا ناخواسته اقدام به صدور احکام قضایی عامه‌پسند و مورد تأیید دنبال‌کنندگان می‌کنند که به‌نوبه خود جلوه‌ای از عوام‌گرایی کیفری به شمار می‌آید. پیامد چنین رویکردی، گرایش افراطی به سمت صدور احکام ارفاقی و جایگزین حبس در قالب مجازات‌های اجتماعی است. نمونه این دست احکام در صدور حکم تلخیص کتاب نظام حقوقی زن در اسلام برای یکی از چهره‌های اجتماعی است که حساسیت‌هایی را در جامعه برانگیخت.^۱

۱. به گزارش تابناک به نقل از خبرآنلاین، بعد از انتشار حکم محکومیت شروین حاجی پور، خبر رسید حسین، فرزند محمد مطهری و نوه شهید مرتضی مطهری در مورد این بخش از حکم شروین، پیشنهاد همکاری داده است: «مطالعه و خلاصه‌نویسی کتاب حقوق زن در اسلام تألیف شهید مطهری و کتاب زن در آئینه جمال جلال تألیف حضرت آیت الله جوادی آملی، به میزان سی صفحه هر یک به صورت مجزی و دست‌نویس جهت درج در پرونده و ارائه به واحد اجرا و انتشار آن از طریق فضای مجازی». در متن پیشنهاد حسین

بدین ترتیب انتشار آراء در فضای مجازی می‌تواند اصل استقلال قضایی را مخدوش نماید، زیرا افکار عمومی از عوامل تاثیرگذار بر استقلال قضایی و به‌ویژه استقلال فردی (قاضی) است. در این فضا آنچه که پسند بیشتری بگیرد رای خوب تلقی شده و برعکس آنچه که پسند کمتری بگیرد رای بد خواهد شد. افکار عمومی کارکرد تحریکی داشته و سبب می‌شود خودآگاه یا ناخودآگاه تصمیمات قاضی را جهت‌دهی نماید.

علاوه بر میزان پسندها، اظهارنظر و واکنش‌هایی که توسط مخاطبان این صفحات در قالب پی‌نوشت، در زیر پست‌ها گذاشته می‌شود نیز در تصمیمات بعدی قاضی می‌تواند اثرگذار باشد. تکرار صدور رأی‌های مشابه و کاهش فواصل صدور این آراء و انتشار پست در صفحات قضات مؤید این مسأله است که پی‌نوشت‌های مخاطبین و واکنش‌های ایشان تا چه میزان توانسته عملکرد قاضی را در زمینه صدور این آراء تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال همانگونه که در جدول برشمرده شده است، واکنش‌های مخاطبین نسبت به مجازات شلاق و تشبیه این مجازات به چوپان و گوسفند، سبب می‌شود قاضی در تصمیمات خود، بدون آنکه قانون را ملاک نظر قرار دهد، مجازات شلاق را از لیست مجازات‌های صادره، حذف نماید. یا عباراتی از قبیل اینکه «همه جوانب را سنجیده‌اید و رأی‌های شما بهترین رأی‌ها هستند» سبب القاء این حس در قاضی می‌شود که مجازات‌های اجتماعی به این نحو، در نگاه مردم، بهترین تصمیم است و در پرونده‌های بعدی نیز سعی می‌کند این مجازات را برای متهمین اعمال نماید. همچنین پی‌نوشت‌هایی مانند «شما مجازاتی را اعمال می‌کنید که برای جامعه مفید است.» منجر به ایجاد این ذهنیت برای قاضی

که در صفحه اینستاگرام او آمده نوشته شد: «من کاری در برابر این حکم از دستم بر نمی‌آید جز اینکه می‌توانم نوشتن خلاصه دو کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» اثر شهید مطهری و «زن در آئینه جلال و جمال» نوشته حضرت آیت‌الله جوادی آملی را برای آقای حاجی‌پور به عهده بگیرم تا روزی که خواندن کتاب شهید مطهری مجازات تلقی نشود.» (خبرگزاری تابناک، ۱۲ اسفند ۱۴۰۲، خبر کبر:

می‌شود که احکامی را که به‌عنوان مجازات اجتماعی صادر کرده است، از نگاه مردم مفید بوده و معیار قانونی را به‌تدریج کنار می‌گذارد.

۲.۲. غلبه احساس بر عقل و دوری از خبره‌گرایی

تجربه نشان داده که سنجیده‌گرایی و کارکردهایش در پاره‌ای از مواقع، توانسته تحت تأثیر اوضاع و احوالی مانند فضای سیاسی حاکم، افکار عمومی، جریانات رسانه‌ای، سیاست جنائی قضایی، توصیه‌پذیری و پیش‌داوری و بسیاری از موارد دیگر از این قبیل قرار بگیرد.

براساس نظریات جامعه‌شناسان نظام عدالت کیفری، جرم‌انگاری و تعیین مجازات متأثر از عوامل و نیروهای مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و این واقعیات توان این را دارند که نظام عدالت کیفری یک کشور را تغییر داده و دربرابر خواست قانون‌گذارن مقاومت نمایند. درحقیقت نظام عدالت کیفری در جرم‌انگاری و کیفرگذاری رفتارها، با مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و موانع جدی اجتماعی روبه‌رو بوده و متأثر از شرایط اجتماعی متفاوت به اشکال گوناگون ظاهر می‌شود. (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۴: ۱۰۹) بنابراین مفهوم عوام‌گرایی تا جایی‌که با توجه به خواسته‌ها و رویکردهای مقبول مردم به کار گرفته شود وجهه‌ای مثبت داشته باشد، امری مشروع و پسندیده تلقی می‌شود اما بدیهی است آنچه که از احساسات مردم برمی‌آید همیشه صحیح نیست و باید به نوعی پایش شود. از همین‌رو، علوم کیفرشناسی با استفاده از ابزارهای تجربی و غیرتجربی درصدد هستند تا از وضع مجازات ناکارآمد و عوام‌گرا جلوگیری نمایند. زیرا، این امر از تبعات منفی دخالت مستقیم مردم در جریان سیاست‌گذاری جنایی، عدم اطلاعات کافی و عدم بهره‌ایشان از دانش و تخصص مربوطه است. (قره‌گوزلو، ۱۳۹۸، ص.

(۲۸)

یکی از نتایج مهم انتشار آراء، غلبه جنبه‌های حسی - هیجانی بر جنبه‌های عقلانی است. عموماً مردم عادی، دست‌کم در واکنش‌های اولیه، نسبت به وقایع جنایی یا با دیدن گزارش آنان در صفحات

مجازی این قضات، دیدگاه‌های اخلاق‌گرایانه دارند و به این مسائل به چشم موضوع اخلاقی می‌نگرند. معمولاً در این شرایط که قاضی با واکنش‌های زیادی از سوی مردم مواجه می‌شود، به این تصور اشتباه می‌افتد که احتمالاً این تصمیم، درست‌ترین واکنش به وقایع و رویدادهای جنایی است و برای آنکه خود را هم‌راستا با خواسته مردم نشان دهد، تصمیمات و آراء خود را در جهت اظهارنظرهای ایشان سازماندهی می‌کند. واکنش‌های مخاطبان این صفحات، منجر به بروز رفتاری از سوی صاحب صفحه می‌گردد که آن را رفتار توده‌وار می‌نامند. این الگوی رفتاری بر افرادی اطلاق می‌شود که بدون فکر و اندیشه و برنامه‌ریزی از تصمیم جمعی تبعیت می‌کنند.

بدیهی است وقتی پس از انتشار این آراء که برای مخاطب عام جالب و جذاب می‌باشد، قاضی با تحسین و تمجید ایشان مواجه می‌شود، مشاهده این ابراز احساسات از سوی مخاطبین، قاضی را در اصدار چنین آرائی مصمم‌تر می‌کند، ولو آنکه مبنای قانونی نداشته باشد. نمونه این دست آراء، حکم یک قاضی درباره دو متهم اخلاف در نظم عمومی در قضیه گرانی بنزین، است که قاضی رأی به آزاد شدن متهمان داده و به جای آن دولت را به خاطر بی‌تدبیری مقصر دانسته است. قاضی «ر.ا.»، دادرش شعبه ۴ دادگاه عمومی بخش چهارباغ استان با اشاره به اینکه این مورد یک اعتراض غیرمسلحانه به حکمرانی نامطلوب است و از مولفه‌های اساسی حدود آزادی مصرح در اصل بیست و هفتم قانون اساسی به شمار می‌آید و همچنین این که سبب اقوی از مباشر بوده! متهمان را تبرئه کرد و تقصیر را متوجه بی‌تدبیری دولت دانست. این قاضی در اقدامی جالب، تصویری از حکم خودش را هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که با تحسین کاربران فضای مجازی همراه بود. روشن است در فضای مشکلات اقتصادی و نارضایتی مردم در قضیه حامل‌های انرژی، چنین آرائی با تحسین و تمجید مردم روبرو شود ولیکن آیا صرف اقبال عمومی می‌تواند موجب نادیده گرفتن ارکان یک جرم واقعی گردد و آیا محکوم کردن دولت با استناد به قاعده «اقوی بودن سبب از مباشر!» درست است؟ و اگر چنین است چرا قاضی محترم حکمی علیه وزارت نیرو یا نهادهای مشابه صادر نکرده است؟

۳.۲. صرف وقت

وارد شدن در عرصه بلاگری نتایجی را ضرورتاً به دنبال خود دارد؛ به دلیل ضرورت جذب مخاطب در صفحات مجازی، صاحب صفحه نیازمند تولید محتوای منظم است. علاوه بر آن، همین جذب مخاطب و پسندها و پی‌نوشت‌های بیشتر و رشد صفحه باعث ایجاد رقابت با سایر صفحات می‌شود. در این رقابت کسی برنده است که بتواند هم محتوای بیشتری تولید کند و هم از نظر کیفیت پست‌هایی را تولید کند که حرفه‌ای‌تر و خلاقانه‌تر باشد. این مسأله در مورد یک قاضی که هم حجم کاری بالایی دارد و هم حساسیت شغل وی نیازمند این است بتواند زمان و دقت کافی‌ای را برای رسیدگی به پرونده‌هایش صرف کند، می‌تواند سبب شود به مرور بخش زیادی از وقت وی صرف مشغولیت به فضای مجازی و ارتقاء صفحه‌اش بشود. امری که می‌تواند سبب کاهش کیفیت کاری وی شود. به خصوص آنکه به دلیل وجود مسأله آمارگرایی، تعداد بالای پرونده‌ها مانع از رسیدگی باکیفیت حتی توسط قضاتی است که در فضای مجازی پیج‌های بلاگری ندارند. بنابراین، این امر در مورد قاضی بلاگرها حادث می‌شود. قابل توجه است که بلاگرها بعضاً تا بیش از ۱۲ ساعت در شبانه‌روز وقتشان را به صفحه خود اختصاص می‌دهند.

۴.۲. انحراف هدف آموزشی به اهداف جذب مخاطب

مسأله جذب مخاطب و رقابت با سایر صفحات نتیجه دیگری نیز به دنبال دارد و آن اینکه سبب می‌شود قاضی پست‌هایی تولید و منتشر کند که برای مخاطب جذاب باشد و بعضاً جنبه طنز داشته باشد؛ امری که در برخی موارد بنابر عرف موجود در جامعه و میان قضات، با شأن قاضی و امر قضاوت تناسب ندارد. استدلال این قضات در این باره این است که آموزش مطالب حقوقی به شکل طنز موثرتر است. اما این موارد گاهی خلاف جایگاه اجتماعی و شغلی قاضی می‌باشد. برای مثال در یکی از این پست‌ها، قاضی یکی از آهنگ‌هایی را که کاملاً بی‌محتوا و سخیف می‌باشد منتشر کرده و آن را براساس مطالب حقوقی تحلیل کرده است. آهنگ «کله‌فر خدا نترس» یکی از این آهنگ‌ها می‌باشد که در زیرنوشت این

پست آورده شده است: «۱. با توجه به اینکه آقای کله فر تفنگ رو به دستش گرفته و از طریق تیراندازی تظاهر و قدرت‌نمایی کرده بنابراین مرتکب جرم تظاهر و قدرت‌نمایی با سلاح گرم شده (م ۶۱۷ ق. تعزیرات) ۲. نظر به اینکه آقای کله فر با این اقدامش نظم و آسایش مردم اون منطقه رو به هم ریخته بنابراین مرتکب جرم اخلال در نظم و آسایش عمومی شده (م ۶۱۸ ق. تعزیرات) ۳. با توجه به اینکه چفیه هم به روش نبسته در فیلم‌های ضبط شده چهره اش کاملاً مشخص بوده و توسط پلیس شناسایی شده. ۴. در جلسه دادگاه گفته من از خدا نمی‌ترسم، چه برسه قاضی و زندان و پلیس و قاضی دادگاه بدوی با استدلال به این جمله و مستند به تبصره ماده هجده قانون مجازات اسلامی بیشتر از حداقل مجازات رو برای جرایم در نظر خواهد گرفت. البته تعدد جرم خودش مجازات رو تشدید میکنه.» همانطور که مشاهده می‌شود، انتشار همچنین مطالبی خلاف شأن کسی است که صاحب منصب قضاوت می‌باشد و با اهداف آموزشی‌ای که ادعا می‌شود در تضاد است.

نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد اینکه اساساً انتشار آراء قضایی در فضای رسانه‌ای نه تنها با کرامت انسانی، اصل شخصی بودن مجازات و حریم خصوصی منافات داشته^۱ و با قبح‌زدایی از جرم و گاه قهرمان‌سازی از متهم موجب رواج عوام‌گرایی کیفری می‌شود، بلکه پیامد این پوشش، قضاوت افکار عمومی در خصوص پرونده است که تحت تأثیر القای رسانه‌ها خارج از فرایند رسیدگی قضایی و بی‌توجه به وجود یا فقدان دلایل اثباتی کافی و معتبر علیه متهم، اقدام به محاکمه و محکومیت متهم می‌کند (حیدری، ۱۴۰۴، ص ۵۱) از این روی می‌تواند خود به عنوان یک جرم ارتكابی از سوی قاضی قابل رسیدگی باشد، چه اینکه قاضی بلاگرها یا محتوای تحقیقات و رسیدگی قضایی را در فضای مجازی منتشر می‌کند

^۱ البته ممکن است گفته شود اطلاع‌رسانی آراء قضایی از حقوق عمومی محسوب می‌گردد؛ اما باید گفت طرق رسمی انتشار آراء مانند سامانه ملی آراء که از سوی قوه قضائیه پیش‌بینی شده است می‌تواند پاسخ‌گوی این حق عمومی باشد و انتشار این آراء توسط قضات به دلایلی که بیان شد دارای ایراد است.

و یا اینکه حکم محکومیت صادره را منتشر می‌کنند در حالیکه از یک سو برابر بند ۷ ماده ۶ قانون مطبوعات (اصلاحی ۱۳۷۷/۰۵/۲۱)، انتشار مذاکرات غیرعلنی محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضائی بدون مجوز قانونی جرم است و از سوی دیگر برابر قوانین موضوعه به ویژه ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن تنها در جرایم خاصی این امکان وجود دارد و در سایر موارد نیز برابر ماده ۵ دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی، مصوب ۱۴۰۰/۲/۲۷ رئیس قوه قضائیه، انتشار آراء دادگاه‌ها باید بدون نام و مشخصات شاکیان و متهمان و خواهان‌ها و خواندگان با حفظ حریم خصوصی اشخاص باشد، به نحوی که محتوای رای منتشر شده موجب شناخته شدن هویت اصحاب دعوی نگردد. برابر همین ماده چنانچه به تشخیص قاضی اجرای احکام یا قاضی صادرکننده انتشار رأیی خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد، انتشار آن مطلقاً ممنوع است. این در حالی است که بسیاری از احکام منتشر شده از سوی قاضی بلاگرها نه از مصادیق جواز انتشار حکم است و نه شرایط دستورالعمل در آن رعایت شده است.

۵.۲. انحراف فضای نقد علمی به حواشی ظاهری

یکی از لوازم بلاگری و افزایش جذابیت صفحه، انتشار عکس‌های مختلف از خود و سایر ابعاد زندگی مانند تفریحات، خانواده و می‌باشد. این مسأله فضای نقد و بررسی آراء را که یکی دیگر از اهداف انتشار آراء برشمرده شده زیر سؤال می‌برد. یکی از دلایلی که در دفاع از قاضی بلاگری بیان می‌شود این است که انتشار آراء و همچنین انتشار مطالب حقوقی در فضای مجازی باعث افزایش آگاهی مردم می‌شود. اما در پاسخ باید گفت در فعالیت بلاگری این خطر وجود دارد که به تدریج در محتواهای تولیدشده مولفه‌های جذب مخاطب بر مولفه‌های علمی و آموزشی غلبه پیدا می‌کند. برای مثال در پست‌ها یک عکس با ژست خاص قاضی گذاشته شده و در زیرنویست، مطلب حقوقی آورده شده است؛ به طوری

که در پی نوشت‌ها مردم بیشتر از خوش‌تیپی قاضی حرف می‌زنند تا استفاده و نظر در مورد زیرنوشت آن پست!

۶.۲. نداشتن جنبه بازدارندگی و تجری دیگران

مجازات اساساً باید دارای بازدارندگی خاص و عام باشد. نظریه ارباب و بازدارندگی مبتنی بر این پیش‌فرض بنیادین است که بزهکاران بالقوه همچون سایر شهروندان بازیگرانی محاسبه‌گر هستند. این نظریه با دگرگونی در هزینه‌ها و منافع بزهکاری در پی آن است تا جرم را به گزینه‌ای غیر جذاب برای بزهکار تبدیل کند (جوان جعفری و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۶۳) و به اعتقاد برخی، افراد زیادی که در حین قصد ارتکاب رفتار مجرمانه دچار وسوسه می‌شوند از ارتکاب آن خودداری می‌کنند زیرا لذتی که از این طریق ممکن است کسب کنند با بیم نتیجه ناگواری که مجازات قانونی به دنبال دارد متنفی و خنثی می‌شود (پرادل، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۶)

مجازات‌های اجتماعی اگرچه از لحاظ جنبه رنج‌آوری متفاوت با اقسام اصلی مجازات است اما همانطور که از نامشان پیداست نوعی مجازات هستند و باید مجرم را از ارتکاب مجدد جرم و دیگران را از ارتکاب جرم بازدارند. این در حالی است که برخی از این مجازات‌ها نه رنجی بر مجرمین وارد می‌سازد و نه مجرمان بالقوه را می‌ترساند؛ چنین مجازات‌هایی در ترازوی محاسبه‌گری مجرمین بالقوه دیگر بر لذت حاصل از جرم سنگینی نمی‌کند زیرا اساساً فاقد هزینه و رنج برای مرتکب جرم می‌باشد. برای نمونه همانگونه که در جدل شماره ۱ بیان شد مدیر عامل یک کارخانه در همدان به اتهام آلاینده‌گی هوا به عیادت بیماران ریوی به مدت سه سال و مستندسازی همدردی خود با آن‌ها محکوم شده است. این جرم از جرائم زیست‌محیطی محسوب شده که خطرات و عوارض آن دارای دامنه وسیعی است و افراد زیادی از شهروندان را درگیر می‌نماید. وقتی قاضی پرونده عیادت از بیماران را به عنوان مجازات برای مرتکب چنین عملی تعیین می‌نماید اولاً نشان‌دهنده این مسأله است که این جرم در نظر ایشان تا این حد نازل و

ناچیز تلقی شده است. ثانیاً بدیهی است انتشار این مجازات در فضای مجازی به هیچ وجه نمی تواند در ارزیابی هزینه_فایده سایر کارخانه داران به نحوی تأثیرگذار باشد که ایشان را از ارتکاب اعمال مجرمانه خود بازدارد. زیرا عیادت از بیماران هرگز امری نیست که سبب شود ایشان از عوائد و منافعی که با عمل مجرمانه نصیب ایشان می شود، چشم پوشی نمایند.

انتشار این آراء در فضای مجازی همانطور که در جدول شماره ۲ مورد اشاره قرار گرفته است، نه تنها برای دیگران جنبه بازدارندگی ندارد بلکه باعث ترغیب آنان به ارتکاب جرم نیز می شود! زیرا بیشتر از آنکه شبیه مجازات باشند، شباهت به پاداش دارند. همانگونه که در جدول مشاهده می شود، حکم به خدمات رایگان در یکی از موکب های مسیر کربلا به نجف، چنان محبوب مخاطبین واقع شده است که از قاضی سؤال پرسیده اند چه جرمی انجام دهیم که ما را رایگان به سفر کربلا بفرستی؟! این کامنت ها نشان می دهد این مجازات ها حتی آبروی مرتکب جرم را هم به خطر نمی اندازد که سبب بازدارندگی وی از ارتکاب جرم گردد.

۷.۲. تعارض با اصول حقوقی و مقررات قانونی

صدور حکم الزام به خرید کالا و وسائل برای نیازمندان یا گروه های سنی خاص در قالب خدمات عمومی رایگان همانطور که در این صفحات دیده می شود، اگرچه با تحسین و تمجید دنبال کنندگان روبه رو شده است، با موازین حقوقی و ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی سازگاری ندارد چرا که خدمات عمومی رایگان با توجه به فلسفه و ماهیت آن، قائم به جسم و بدن شخص است و اموال او را شامل نمی شود.

این موضوع در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی هم مطرح شده است و اداره مذکور با صدور اینگونه آراء مخالفت کرده است؛ در این نظریه پرسیده شده است «با توجه به مفاد ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی آیا امکان صدور حکم به محکومیت متهم به پرداخت وجه نقد، خرید گوشی تلفن همراه یا تبلت

برای افراد و خانواده‌های بی‌بضاعت تحت پوشش نهادهای حمایتی در قالب خدمات عمومی موضوع آیین‌نامه ماده ۷۹ قانون مرقوم وجود دارد؟» که در پاسخ به این پرسش، اداره حقوقی چنین گفته است؛ «۱. اصولاً مقصود از خدمات عمومی رایگان، انجام کارهای فکری و بدنی توسط محکوم‌علیه است و این نوع خدمات باید با مباشرت شخص محکوم‌علیه اجرا شود و عبارت «تا...ساعت» مذکور در بند های الف، ب، پ، ت ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صریح در آن است که ارائه خدمات مزبور قائم به شخص محکوم‌علیه است.

۲. خدمات عمومی رایگان موضوع ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از مجازات‌های جایگزین حبس مقرر در ماده ۶۴ این قانون است و تعیین انواع خدمات عمومی نیز با عنایت به ماده ۷۹ قانون یادشده باید مطابق آیین‌نامه اجرایی این ماده باشد و با توجه به تعریف خدمات عمومی رایگان در بند ب ماده یک این آیین‌نامه و نیز ملاحظه انواع خدمات عمومی رایگان که در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مذکور، بیان شده است چون پرداخت هزینه خرید گوشی تلفن همراه یا تبلت به افراد یا خانواده‌های بی‌بضاعت یا پرداخت کمک نقدی به ایشان از مصادیق خدمات عمومی رایگان خارج است لذا با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صدور چنین احکامی قانوناً جایز نیست.»

همچنین موضوع خرید مال که در قالب «خدمات عمومی رایگان» مورد حکم قرار می‌گیرد از سوی برخی نویسندگان مورد نقد قرار گرفته است. از دید آنان صدور حکم به مجازات جایگزین حبس تحت عنوان «خرید مال»، جهت نهاد یا سازمان خاص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی با توجه به اینکه در قانون مجازات، چنین عنوانی پیش‌بینی نشده است، دارای ایراد و اشکال حقوقی و قانونی است و در نظام کیفری تقنینی حال حاضر کشور با توجه به قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

(خوافی، ۱۴۰۳، ص. ۱۵)

نتیجه گیری

ورود فعالیت بلاگری در فضاهای مجازی به ویژه شبکه اینستاگرام در میان قضات، می تواند خطراتی را برای این شغل مهم و حساس ایجاد نماید که از جمله مهم ترین آن ها آمیخته شدن نهاد قضائی به عوام گرایی است. قاضی بلاگری سبب می شود استقلال قضائی قضات تحت تأثیر افکار عمومی قرار گرفته و جنبه های احساسی در صدور آراء بر معیارهای عقلی و قانونی غلبه نماید. همچنین برخی از این آراء به گونه ای می باشند که کاملاً فاقد بازدارندگی خاص و عام هستند. کمرنگ شدن اهداف آموزشی به سایر اهداف در سایه ذات فعالیت بلاگری و اهمیت یافتن جذب مخاطب در این فضا نیز از دیگر انتقادات وارده به قاضی بلاگری می باشد.

در این میان قاضی بلاگری در زمینه مجازات های اجتماعی سبب صدور آرائی ابتکاری و بعضاً عجیب شده است که یکی از ایرادات مهم آن تعارض با اصل قانونی بودن مجازات می باشد. در حقیقت تشویق و تحسین مخاطبین این صفحات در قالب پسند و پی نوشت و ... به آراء قاضی صاحب آن صفحه، رنگ عوام گرایی می دهد که حاصل، صدور مجازات هایی است که برای عامه مردم جالب اما با معیارهای فنی و قانونی، قابل توجیه نمی باشند.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان ها، بازپروای و اصلاح مجرمان و جلوگیری از تکرار جرم و در راستای فرهنگ سازی درون سازمانی، از سال ۱۳۹۵ هر ساله جشنواره ای را برگزار می نماید و فراخوان می دهد که قضات احکامی را که در زمینه مجازات های اجتماعی صادر کرده اند، به این جشنواره ارسال کرده تا از آن ها تقدیر و تجلیل شده و به بهترین این آراء جوایزی تقدیم گردد.

معیارهایی که در این جشنواره برای ارزیابی آراء مورد نظر قرار گرفته است؛ مستند، مستدل و موجه بودن رأی، تناسب رأی با نوع جرم و کیفیت ارتکاب، تناسب رأی با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مجرم، احتمال تأثیر رأی در اصلاح و بازپروری مجرم، ابتکاری و بدیع بودن رأی در چارچوب قانون، وجاهت و مقبولیت آن در جامعه، قابلیت اجرای رأی و امکان نظارت بر آن و رعایت آئین نگارش در انشای رأی است.

معیارهای ارائه‌شده توسط معاونت قوه قضائیه می‌تواند چارچوب مناسبی برای صدور رأی بر مجازات‌های اجتماعی باشد. این درحالی است که بسیاری از این آرائی که حتی توسط جشنواره‌ها مورد تقدیر قرار گرفته‌اند، با معیارهای ارائه شده از سوی معاونت حقوقی قوه قضائیه متعارض می‌باشند. این آراء، علی‌رغم ابتکاری بودن، در چارچوب قانون گنجانده نمی‌شوند. به‌علاوه اجرای این مجازات‌ها نیز به‌لحاظ عملی با مشکلاتی روبه‌روست که عملاً مثرثمر بودن آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. برای نمونه امکان نظارت بر بسیاری از انواع جدید و ابداعی مجازات‌های اجتماعی فراهم نمی‌باشد. منتفی شدن امکان نظارت به‌دنبال خود ارزیابی تأثیر آراء بر اصلاح و بازپروری مجرم را نیز تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. از این روی انتشار احکام قضایی در فضای رسانه‌ای باید با لحاظ چارچوب‌های زیر باشد:

- ارزیابی کارآمدی کيفرهای اجتماعی از منظر اهداف مجازات‌ها به‌ویژه بازدارندگی و اصلاح مجرمین؛
- توجه به بازتاب رسانه‌ای و آثار کيفرهای اجتماعی بر افکار عمومی و پرهیز از کيفرهای نمایشی؛
- ایجاد محدودیت شیوه اعلام احکام کیفری به سامانه ملی آراء قضایی و منع انتشار حکم در شبکه‌های اجتماعی و صفحات مجازی شخصی؛
- بازنگری در سازوکارهای تشویقی قضات در باب سیاست کیفری ارفاقی و احراز آراء برتر؛

انسان

در آخر پیشنهاد می‌شود اولاً قانون‌گذار ابتدا متون قانونی‌ای را که مربوط به مجازات‌های اجتماعی می‌باشد، به‌طور دقیق و شفاف بیان کند تا امکان تخطی قاضی از معیارهای قانونی وجود نداشته باشد. ثانیاً قضات در صدور اینگونه مجازات‌ها، معیارهای معاونت حقوقی قوه قضائیه را به‌طور دقیق در نظر قرار دهند. و در نهایت دستگاه قضائی نیز قضات را از فعالیت‌های بلاگری در این زمینه منع نماید؛ چرا که این نوع فعالیت از عوامل ورود پوپولیست کیفری به دستگاه قضا و تأثیر فراوان آن بر احکام صادره از قضات است که با عدالت کیفری و سنجیده‌گرایی در تنافی می‌باشد.

منابع:

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۱). جایگزین‌های زندان‌های "کوتاه مدت" در حقوق کیفری ایران. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱(۱۱-۱۲)، صص. ۳۰۹-۲۷۷.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. چاپ اول، تهران: گرایش.
۳. آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۲). حقوق کیفری عمومی (کیفر شناسی نوین). جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۴. بی‌دردی، شهرام (۱۳۹۵). حق بر مجازات نشدن از دیدگاه کیفرشناختی با تأملی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. نشریه علمی، خبری و تحلیلی قانون وکلای دادگستری اردبیل، ۲(۲).
۵. پرا دل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت.
۶. جوان جعفری، عبدالرضا؛ ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۴)، ماهیت فلسفی و جامعه‌شناختی کیفر، تهران: نشر میزان.
۷. جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد و فرهادی و آلاشتی، زهرا (۱۳۹۵). بازدارندگی و سنجش آن در فلسفه کیفر، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۷(۲)، صص. ۷۸-۵۹.
۸. حداد، لادن (۱۴۰۲). مطالعه بازنمایی زندگی روزمره در صفحات مامی بلاگرهای ایرانی اینستاگرام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. حیدری، علی مراد (۱۳۹۲). محاکمه رسانه ای، چالش تقابل حق آزادی بیان و حق دادرسی عادلانه، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۶(۳۳).
۱۰. حیدری، علی مراد (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی؛ بررسی فقهی و حقوقی واکنش علیه جرم. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. خوافی، سعید (۱۴۰۳). ممنوعیت حکم به خرید مال به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در نظام کیفری ایران. فصلنامه رای، ۱۲(۴۵)، صص. ۲۲-۱۵.

۱۲. دریایی، صاحب و امیرنژاد، سعید و قدمی، سجاد (۱۴۰۰). بررسی نقش بلاگرهای اینستاگرام بر قصد خرید محصولات ورزشی با میانجی‌گری نگرش نسبت به برند. مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۱۰(۴)، صص. ۴۲-۵۶. doi: 10.30473/jsm.2022.61560.1579

۱۳. ریاحی، جواد (۱۴۰۴). درآمدی بر جایگزین‌های کیفر حبس. بروجرد: انتشارات دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره).

۱۴. سلیمی قلعه‌ئی، احسان (۱۴۰۳). تکمیل مجازات با تغسیل میت؛ نقدی بر یک دادنامه، فصلنامه رای، ۱۲(۴۵)، صص. ۱۵-۲۲.

۱۵. سمیعی، محمدمبین و معظمی، شهلا (۱۴۰۱). جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری در حوزه سیاست کیفری در مرحله پیشادادرسی در ایران. فقه جزای تطبیقی، ۲(۵)، صص. ۱۰۹-۱۱۹. doi: 10.22034/jccj.2023.397877.1267

۱۶. شاطری پور اصفهانی، شهید (۱۳۹۲). سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با حبس‌زدایی در قانون جدید مجازات اسلامی. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۱(۲)، صص. ۱-۱۵.

۱۷. شعبان‌زاده، مهدی و هاشمی، سیدحسین و میرخلیلی، سیدمحمود و دارابی، شهرداد (۱۳۹۹). توجیهات مجازات‌های اجتماعی از منظر حقوق شهروندی، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، پیاپی ۵۲، صص. ۵۷۵-۵۶۳.

۱۸. فارال، استفن و جکسون، جان‌اتان و گری، امیلی (۱۳۹۲). نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر. ترجمه حمیدرضا نیکوکار، تهران: نشر میزان.

۱۹. فرجیها، محمد (۱۳۹۰). رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی). تهران: پژوهش‌های حقوق تطبیقی.

۲۰. فرجیها، محمد (۱۳۸۷). چالش‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور. مجله حقوقی دادگستری. ۶۴(۷۲)، صص ۳۲-۱۳.

28. Bottoms, Anthony & Rex, Sue & Robinson, Gwen. (2004). *Alternatives to Prison; Options for an Insecure Society*, First publication, London: Willan Publishing.
29. Brownlee, Ian. (1998). *Community Punishment A Critical Introduction*, First edition, London: Longman.
30. Donnelley, R.R. (2007). *Report of the Review of Community Penalties*, The Scottish Government: Edinburgh, www.Scotland.gov.uk.
31. Easton, Susan & Piper, Christine. (2005). *Sentencing and Punishment the Quest for Justice*, New York: Oxford university press.
32. Holman, Barry R. & Brown, Robert A (2004). *Beyond bricks, bars, and barbed wire: the genesis and proliferation of alternatives to incarceration in the United States*. In: *The Blackwell companion to criminology*. Editor: Colin Sumner. First publication. London: Blackwell publishing. P 196-205.
33. Mason, Tom. (2000). "Care and Management in the Community", In: *Behavior, crime and legal process a guide for forensic practitioners*, New York: Wiley Press.
34. Pfeiffer, C, windzio, M. & kleimann, M. (2005). "Media Use and its Impact on Crime Perception, Sentencing Attitudes and Crime Policy", *European journal of criminology*, 2 (3): 246-263. <https://doi.org/10.1350/ijps.2012.14.3.282>
35. Scott, David (2008). *Penology*, Op.cit.
36. Singh, shanta. (2002). "Community Based Sentences: Alternatives to Short-term Imprisonment". Master of Arts Dissertation. University of South Africa
37. Tonry, Michael. (1999). *The Fragmentation of Sentencing and Corrections in America*, Washington DC: U.S Department of justice, Office of justice programs, National Institute of Justice.
38. Williams, Liam. (2012). *Civil Death And Penal Populism In New Zeland*, *Waikato Law Review: Taumauri*, Volume 20.